

پیوریتن‌ها؛ رویکردی اعتراضی و متفاوت در دین‌داری پروتستانی

حمیده فاتحی پیکانی^۱

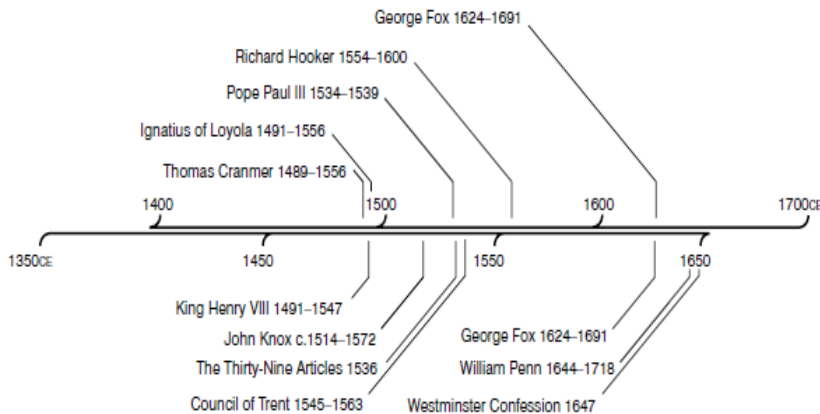
[تاریخ دریافت: ۱۴۰۱/۱۰/۱۱؛ تاریخ پذیرش: ۱۴۰۲/۰۴/۲۴]

چکیده

پیوریتن‌ها (پاک‌دینان) عنوانی است که از سال ۱۵۶۴ برای گروهی از پروتستان‌ها در کلیسای اصلاح شده (کالونی) در انگلیس سده‌های شانزدهم و هفدهم میلادی به کار برده می‌شد. این گروه در پی از میان برداشتن بقایای مذهب کاتولیک رم در مراسم کلیسایی و جانشینی نظام پرسیبتری (مشایخی) به جای نظام اسقفی بودند. پیوریتن‌ها برای نشر اندیشه‌های خود، فعالانه جزوه‌هایی علیه کلیسای کاتولیک منتشر می‌کردند. پیوریتن‌ها باور داشتند انسان گناهکار است و خشم خداوند را برانگیخته است. آنها در زندگی روزمره بسیار ساده‌زیست و سخت‌کوش بودند. کتاب مقدس نزد پیوریتن‌ها، ارزشمندتر از زندگی‌شان بود و اعتقاد داشتند انسان باید در طول زندگی طبق آموزه‌های این کتاب عمل کند و همواره رفتار خود را اصلاح نماید تا همیشه موجب جلال خدا شود. پیوریتن‌ها با تأکید بر نور، شعایرگریزی و تبلیغ زندگی معنوی و کمک در امور خیریه و منع اعمال گناه‌آلودی همچون نوشیدن مشروبات الکلی، قمار، رقص، فوتبال، بازیگری تئاتر در پی اصلاح جامعه بودند و حتی از برگزاری مراسم کریسمس ممانعت می‌کردند. این فرقه و بسیاری از اسقف‌های کلیسای انگلستان خواستار تبلیغات مذهبی بیشتری بودند؛ اما الیزابت ملکه انگلیس، از آن بیم داشت که این تبلیغات به گسترش افکار مخاطره‌آمیز منجر شود؛ به همین دلیل دستور برچیدن کلاس‌های تعلیم انجیل را صادر کرد و حتی در سال ۱۵۸۳ سه نفر از پیوریتن‌ها که به الیزابت اتهام‌هایی وارد کرده بودند، اعدام شدند.^۱

۱. دانشجوی دکتری مطالعات تطبیقی ادیان گرایش الهیات مسیحیت، دانشگاه ادیان و مذاهب، قم، این‌آدرس: fatehi110@yahoo.com

جنبش‌های اصلاح مسیحیت در قرن‌های پانزدهم و شانزدهم به اصلاحات انقلابی و رادیکال در آلمان و سوئیس محدود نبودند؛ همچنین اصلاحات مهمی در کلیسای انگلستان انجام شد که از دل آن انگلیکانیسم و پیوریتن‌ها پدید آمدند. اصلاحات اساسی نیز در کلیسای کاتولیک رم اتفاق افتاد؛ بعضی از این اصلاحات در پاسخ به اعتراض‌های پروتستان‌ها بودند و برخی از آنها ارتباطی با جنبش اصلاحات پروتستان نداشتند. از طریق جنبش‌های مختلف اصلاح طلب، کلیسای مسیحی در سراسر اروپا پیشرفت کرد و بار دیگر این گسستگی باعث ایجاد فرقه‌های مختلفی شد که در سراسر جهان غرب پراکنده شدند.



Timeline 22 Reformation continues

۱. اصلاحات انگلیسی و انگلیکانیسم

انگلستان در قرن شانزدهم با تلاطم و آشفتگی سیاسی و کلیسایی روبرو شد. در سال ۱۵۰۹ هنری هشتم (۱۴۴۷ - ۱۵۴۷) پادشاه انگلستان شد و سلطنت ماری تئودور را ادامه داد که از سال ۱۴۸۵ - ۱۶۰۳ به طول انجامید. هنری هشتم از همسر اول خود کاترین نمی‌توانست صاحب پسری شود. آراگون به شدت خواهان یک وارث پسر برای ادامه سلطنت بعد از مرگش بود. او تصمیم گرفت کاترین را طلاق دهد و با عشق تازه خود، آنا بولین ازدواج کند که امیدوار بود از او صاحب فرزند پسر شود؛ اما یک مشکل بزرگ وجود داشت؛ کلیسای کاتولیک که آراگون عضو آن بود، طلاق را به لحاظ قانونی منع کرده بود. بر اساس قانون و با وجود این واقعیت که هنری کاتولیک متعصبی بود که طی یک سری از رویدادها که به پایان رسید، با جنبش پروتستان مخالفت کرد، در سال ۱۵۳۳ از رم جدا شد و به انگلستان ملحق شد.

پیش از شکست انگلستان از رم، پاپ و دیگر مقام‌های کلیسایی رم، اصول و آموزه‌های کلیسا را به تصویب رساندند و اسقفان را منصوب کردند. مالیات‌های کلیسایی انگلستان نیز به رم منتقل شد؛ اما پس از جدایی پادشاه انگلستان، هنری هشتم که «ریاست عالی» کلیسای انگلستان را بر عهده داشت، آن کلیسا به کلیسای ملی جدید تبدیل شد. در این هنگام اختلاف‌های عقیدتی و قانونی پادشاه باعث شد درآمد کلیسای انگلستان در انگلستان باقی بماند. جنبش پروتستان هنوز در شکل و عمل کاتولیکی بود (البته بدون پاپ)؛ ولی در همین شرایط غیر عادی، نهضت اصلاح دینی پروتستان انگلستان ریشه گرفت.

در حالی که کلیسای انگلستان در دوران هنری هشتم کاتولیک باقی ماند، او برای برپایی ساختار کلیسایی جدید کوشید. تامس کرانمر (۱۴۸۹ - ۱۵۵۶)، الهیات پروتستان را در

دانشگاه کیمبریج، اسقف اعظم کانتربری تشکیل داد. کرانمر از تصمیم هنری مبنی بر طلاق و ازدواج مجدد حمایت کرد که مدتی بعد آن را انجام داد. آنا هیچ پسری برای هنری به دنیا نیاورد و بعد از مدتی با اتهام‌های واهی خیانت بزرگ، او را اعدام کرد و با زن دیگری ازدواج کرد. سرانجام از ازدواج با جین سیمور، پسری که آرزو داشت به دنیا آمد و او را ادوارد نامید.

توماس کرانمر در جایگاه اسقف اعظم انگلستان، سخت می‌کوشید انگلستان را به همان میزانی «پروستان» کند که هنری هشتم اجازه می‌داد. بعد از مرگ هنری، پسر نه‌ساله او ادوارد، پادشاه ششم شد و از طریق شورای سلطنتی حکومت کرد. در این مدت حتی در مقایسه با دوران هنری، پیشرفت‌های پروتستان نیز رشد بیشتری وجود داشت. در سپتامبر ۱۵۴۸، کمیسیون برای هدایت توسعه همسان مراسم در کل کلیسای انگلیس تأسیس شد. در این کمیسیون، قانون همسانی (مارس ۱۵۴۹) تصویب شد که از همه اعضای کلیسا می‌خواست از کتابچه راهنمای جدیدی به نام راهنمای جدید عبادت: کتاب دعای مشترک استفاده کنند. این کتاب که به قلم کرانمر تنظیم شده بود، دربرگیرنده دفاتر صبح و عصر بود و در آن شیوه اجرای آیین مقدمات، غسل تعمید و عشای ربانی بیان شده بود. چاپ اول کتاب دعا (که دعا‌های گاه‌گاهی نامیده شد) با استقبال کمی روبرو شد؛ زیرا بسیاری از الهی‌دانان انگلیسی پروتستانی نبودند؛ به همین دلیل کرانمر در سال ۱۵۵۲ نسخه دوم را با تغییرهایی نوشت که ایده‌های اصلی الهی‌دانان نهضت اصلاحات سوئیس و آلمان را منعکس کرد.

وقتی ماری اول پس از برادر ناتنی‌اش در سال ۱۵۵۳ به سلطنت رسید، ادوارد درگذشت. او به طور کلی استفاده از کتاب را خاتمه داد و در طول سلطنت پنج‌ساله خود به آیین کاتولیک رم بازگشت. هنگامی که انگلستان را به کلیسای رم بازگردانید، در برابر پروتستان‌ها

بی‌رحمانه رفتار کرد. وی بیش از سیصدتن از آنان از جمله تامس کرانمر را به قتل رساند؛ از این رو لقب «مری خون‌ریز/ خون‌آشام» را از آن خود کرد، حتی رهبران دیگر پروتستان تا زمان مرگ مری، به کشورهای همسایه گریختند.

پس از مرگ مری، خواهر ناتنی وی الیزابت به سلطنت رسید و از سال ۱۵۵۸ - ۱۶۰۳ حکومت کرد. الیزابت آرزو داشت جناح‌های مختلف کلیسای انگلیس و پروتستان متحد شوند. الیزابت توافق‌نامه مذهبی بین پروتستان‌ها و کاتولیک‌ها را پدید آورد و از طریق فراخوان‌هایی آن را اعلام کرد. بعد از آن، او در منصب «فرماندار عالی کلیسای انگلستان» قرار گرفت. او کتاب دعای عمومی را یک بار دیگر مورد تجدیدنظر قرار داد و همه کلیساهای انگلستان را مجبور به استفاده از آن کرد. به همین دلیل کلیساهای انگلیس مجبور به استفاده از آن شدند و تحت رهبری او سندی با عنوان «اصول سی‌ونه‌گانه» نوشته شد که بیانیه‌ای اعتقادی بود؛ همچنین دستور داد تعالیم همه اسقف‌ها و کشیش‌ها بر اساس آن باشد.

کتاب دعای عمومی مشتمل بر دعاها و مناسک است و از قرن شانزدهم در کلیسای انگلیس با اصلاحات جزئی وارد عرصه معنوی و مناجات شد. این کتاب در نسخه‌های متعدد چاپ شده است؛ در انگلستان که خاستگاه آن بود و در جاهای دیگر که کلیساهای مختلف مانند کلیسای انگلیکان فعال هستند و از جمله کلیسای اسقفی در ایالات متحده و جاهای دیگر استفاده می‌شود. این کتاب به طور گسترده، اثر اصلی ادبیات انگلیسی در کاربرد کنونی آن شناخته می‌شود. اکنون نیز از آن در کلیساهای انگلیکان و بالغ بر پنجاه کشور بهره‌برداری می‌شود و به بیش از ۱۵۰ زبان ترجمه شده است.

ویلیام تیندیل

ویلیام تیندیل (حدود ۱۴۹۲ - ۱۵۳۶) دانشمند و اصلاح طلب انگلیسی، دو نسخه از کتاب عهد جدید انگلیسی خود را منتشر کرد - اولین ترجمه انگلیسی او بر اساس متن یونانی قرار داشت - و بدین ترتیب آن را در اختیار مردم انگلستان به زبان خودشان قرار داد. وی در سال ۱۵۳۶ به جرم بدعت گذاری، گناهکار شناخته شد و کشته شد؛ ولی اقدام‌های او نیروی محرک مؤثری برای جنبش اصلاحات انگلستان بود.

هیچ حمایت پرشوری از اصول سی و نه گانه انجام نگرفت؛ چه از جانب کاتولیک‌ها (که آن را محکوم می‌دانستند) یا پروتستان‌ها (که آن را بیش از حد کاتولیکی می‌دانستند). در مدت زمان کمی تفرقه در کلیسای انگلستان در جایگاه گروه‌های کلیسای عالی و سفله بالا گرفت و هر کدام از دیدگاه‌های کلامی و کلیسایی خودشان دفاع کردند. گروه کلیسای سفله می‌خواستند از تحولات پروتستان‌تیسیم اصلاحات در اسکاتلند برای برکناری اسقف‌ها و دیگر ساختارهای کاتولیک، مناسب و آموزه‌های کاتولیکی پیروی کنند. کسانی هم که در گروه کلیسای عالی بودند، می‌خواستند مراسم عبادی کاتولیک، اداره کلیسا و حتی برخی از آموزه‌های کاتولیکی را حفظ کنند. به دنبال این انشعاب، گروه کلیسای سفله به پیوریتن‌ها تبدیل شد و گروه کلیسای عالی به انگلیکان‌ها معروف شدند.

در اسکاتلند الهی دانی به نام جان ناکس (حدود ۱۵۱۴ - ۱۵۷۲) رهبری امور اصلاحات پروتستان را بر عهده داشت. او تحت تأثیر اصلاح طلبان سوئیسی به ویژه جان کالون قرار گرفت. وی کتاب اعتراف نامه اسکاتلندی را نوشت که مبنای اعتراف کلیسای اسکاتلند را در آن تبیین می‌کرد و پیش درآمدی بر اعتراف نامه وستمینستر بود. شاید برجسته‌ترین نقش جان ناکس در تاریخ مسیحیت، دیدگاه او در زمینه سیاست و حق مخالفت با حکومت ستمگرانه بود. این دیدگاه در ایجاد نهاد سیاسی مشایخی برای اسکاتلند، انگلستان و کشورهای دیگر مؤثر بود.

اصول سی‌ونه‌گانه، بازنگری مقاله چهل‌ودو ماده‌ای بود که کرانمر اسقف اعظم در سال ۱۵۵۳ نوشته بود. این اصول در سال ۱۵۶۳ آماده شد و مجموعه‌ای برای معرفی آموزه‌های انگلیکان بود و بیشتر به مباحث مختلف پیرامون جنبش اصلاحات انگلستان می‌پرداخت. هدف آنها سازش با کاتولیک‌ها و پروتستان‌ها بود؛ به همین دلیل تعریف متعصبانه‌ای درباره ایمان ارائه نمی‌دادند. اظهارات آنها درباره بسیاری از اماکن مبهم است و تفاسیر متفاوتی را ممکن می‌سازد.

با این وجود آنها به صراحت آموزه کاتولیک رمی درباره مبنای تغییر را رد می‌کنند (۲۸) و همچنین قربانی‌کردن مراسم عشای ربانی (۳۱) و به صراحت آموزه‌های نهضت اصلاحات را (که بر مبنای این می‌دانند: آخرین مرجع رستگاری کتاب مقدس است) تأیید می‌کنند (۳۰)؛ همچنین در آن عادل‌شمردگی از طریق ایمان جدای از اعمال نیز بیان می‌شود (۱۱-۱۳).

کلیسای انگلستان هنوز به کاهنان/کشیشان خود نیاز داشت تا آشکارا وفاداری خود را به این اصول اعلام کند.

در حالی که توماس کرانمر رهبر مرکزی اصلاحات انگلیسی شناخته می‌شد، بی‌شک ریچارد هوکر نیز از مهم‌ترین الهی‌دان‌ها در سال‌های (۱۵۵۴-۱۶۰۰) بود که نقش مهمی در تحولات اولیه انگلیکانیسم داشت. وی آثاری دارد که از جمله آنها اثر تأثیرگذار او به نام قوانین سیاسی - کلیسایی است که در آن، با به چالش کشیدن پیوریتن پیرایشگر، برای نهضت اصلاحات دولت کلیسای انگلستان واکنش نشان داد. پیوریتن‌ها ادعا کردند یک شکل واقعاً مسیحی از نوع سیاسی باید به شیوه‌ای مشابه کلیسای کنگره‌گرایان ساختاربندی شود؛ همان‌طور که چنین چیزی در دولت ژنو کالون مستقر شده است. اساس پاسخ چندجلدی هوکر، مفهوم قانون طبیعی بود که خداوند در خلقت قرار داده است.

قوانین کلیسا و ایالت که به درستی وضع شده‌اند، از جمله وحی، سنت، عقل و تجربه از کتاب مقدس مشتق شده‌اند.

او معتقد بود هر دورویکرد کاتولیک رمی و پیوریتن‌ها ناقص هستند و نیاز به واسطه‌هایی دارند. وقتی همه مطالب مطرح شد، این روش راه میانه‌ای برای هوکر انگلیکانیسم بود که زمانی در قرن شانزدهم توسط مسیحیت انگلستان پیروز شد. این روند با وجود گروه‌های کمی از نهضت اصلاحات پروتستان و کاتولیک‌های رمی که کنار هم وجود داشتند، برجسته‌ترین نهاد انگلیسی - مسیحی شد که تا امروز نیز ادامه دارد. امروزه کلیسای انگلستان یک کلیسای رسمی در انگلستان و کلیسای مادر ارتباط جهانی انگلیکان به شمار می‌آید.

۲. پیوریتن‌ها

برخی از الهی‌دانان و رهبران کالونی کلیسای انگلستان معتقد بودند نهضت اصلاحات انگلیکان به اندازه کافی گسترده نشده است؛ چراکه بیش از حد تسلیم کاتولیک‌ها شده‌اند و پاک‌سازی بیش از پیش کلیسا را لازم می‌دانستند. پیوریتن‌ها (پاک‌دینان) همان‌طور که از نام‌شان مشخص است، خواهان اصلاح بیشتر در زمینه آموزه‌ها، امور کلیسا و حتی اصلاح در زمینه زهد فردی هستند. آنها می‌خواستند کلیسا را پاک کنند تا آن را شبیه کتاب مقدس کلیسای مسیحی اولیه بازسازی کنند و به گونه‌ای آن را حفظ کنند که فقط دربرگیرنده مواردی باشد که در کتاب مقدس ذکر شده است. پیوریتن‌ها باور داشتند تعدادی از مناسک کلیسای انگلیس برگرفته از کتاب مقدس نیست (یا دست‌کم غیر کتاب مقدسی است)؛ از جمله زانوزدن، پوشیدن لباس و اقتدار اسقف‌ها در برابر دیگر کشیشان و

باید حذف شوند. آنها همچنین معتقد بودند تجربه دینی شخصی با خدا بنیادی است؛ زیرا یک کشیش و جامعه باید یک کل واحد باشند و امید آنها این بود که دولت/ کلیسای انگلستان از سیاست تأسیس شده در اسکاتلند و ژنو الگو بگیرند (بنا بر نهضت اصلاحات مسیحی).

در قرن هفدهم، اختلاف‌های دینی و سیاسی در فضای انگلیسی گسترش یافت. در سال ۱۶۰۳ پادشاه اسکاتلند، جیمز ششم (۱۵۶۶-۱۶۲۵) معروف به پادشاه جیمز اول در انگلیس، بر کرسی پادشاهی انگلستان نشست. او کوشید کلیسای انگلستان را با گردهم آوردن محققان با وجود دیدگاه‌های گوناگون برای ایجاد ترجمه جدید کتاب مقدس متحد کند و بر این اصرار داشت که این کار بدون تأثیر گرفتن از دیدگاه کالونیستی و کاتولیک انجام شود و محصول نهایی، کتاب مقدس پادشاه جیمز بود.

عصر طلایی ادبیات دوران الیزابت که شامل نویسندگانی چون جان دان، فرانسیس بیکن و ویلیام شکسپیر بود، در زمان شاه جیمز اول به شکوفایی ادامه داد. کتاب مقدس شاه جیمز برای آن زمان شاهکار نثر انگلیسی محسوب می‌شود. ده‌ها محقق که همه اعضای کلیسای انگلیس بودند، این ترجمه را انجام دادند.

اعتراف‌نامه ایمانی و ستمینستر سندی بود که به وسیله پارلمان انگلستان در کلیسای و ستمینستر به منظور سازماندهی مجدد کلیسای انگلستان در امتداد اصول پیوریتن‌ها تشکیل شده بود. مواضع مختلفی از دولت کلیسا با دیدگاه غالب پروتیبتریاپیسم (مشایخی) بیان شد؛ با این حال مواضع یکسان الهیات در نهضت اصلاحات و الهیات کالونی وجود داشت.

درگیری سیاسی در زمان شاه چارلز اول (جانشین پادشاه جیمز) در جنگ داخلی انگلیس به اوج خود رسید، یک جنگ مسلحانه بین پادشاه و پارلمان. در سال ۱۶۴۹ پارلمان شاه را اعدام کرد، سلطنت لغو شد و نهضت مشترک انگلستان تأسیس شد. همچنین بعد از تشکیل مجمع وست مینستر (۱۶۴۳ - ۱۶۴۹)، سعی شد تعریف مشخصی از ایمان دینی ارائه گردد. اعترافنامه ایمانی وستمینستر که هیچگاه به طور کامل مقبول کلیسای انگلستان قرار نگرفته بود، به منزله یک بیانیه اساسی از ایمان به پرسبیتریان (مشایخی) در انگلستان و اسکاتلند به شمار می‌آمد. با اینکه پارلمان و پیوریتن‌ها موفق شدند، در درجه اول از طریق رهبری الیور کرامول (۱۵۹۹ - ۱۶۵۸) در ایجاد مدارای مذهبی برای همه پروتستان‌های انگلستان، موفق به این کار شدند. با وجود این پس از مرگ کرامول، سلطنت توسط چارلز دوم (حاکم ۱۶۶۰ - ۱۶۸۵) احیا شد. درواقع روزهای اوج پیوریتن‌ها به پایان رسیده بود؛ اما درهای مدارای مذهبی و گوناگونی گشوده شده بود.

۳. شاخه‌های پیوریتنی: باپتیست‌ها و کوئیکرها

برخی از پیوریتن‌ها درون کلیسای انگلیسی کار می‌کردند و می‌کوشیدند از درون آن را اصلاح کنند. در میان این اصلاحات، اختلاف‌هایی وجود داشت که در درجه اول مربوط به ساختار دولت کلیسا بود. سیاست اولیه انگلیکان در انگلستان در قرن شانزدهم یک کلیسای دولتی اسقفی بود و آن دسته از پیوریتن‌ها که می‌خواستند این شکل را حفظ کنند، به مثابه جناح کلیسای سفله‌کلیسای انگلستان شناخته شدند.

انواع حکومت کلیسا در قرن شانزدهم

یکی از مباحث اصلی قرن شانزدهم مربوط به سازمان و اقتدار کلیسا بود. سه موضع اولیه در این باره وجود داشت که پدیدار شدند:

• **اسقفی:** از اصطلاح یونانی «ناظر» یا «اسقف»، شکل اسقفی دولت کلیسا این گونه است که در آن اسقف‌ها حکومت می‌کنند. کاتولیک‌های رومی، ارتدوکس و انگلیکان همه سیاست‌های اسقفی دارند و همه آنها عقیده دارند اسقف‌ها به طور مستقیم جانشین رسولان عهد جدید هستند؛ بنابراین با مسیح برای اداره کلیسا شریک هستند.

• **پرسبیتریسم:** از اصطلاح یونانی «ریش سفید» است و شکل مشایخی دولت کلیسا است که در آن گروهی از ریش سفیدان غیر کشیش منتخب یا بزرگان حکومتی هستند. کلیساهای مشایخی و کلیساهای نهضت اصلاحات دارای سیاست‌های مشایخی هستند.

• **کنگره‌گرایان:** شکل کنگره‌ای دولت کلیسا است که در آن هر کنگره محلی به طور مستقل حضور دارد و دارای اختیارات دولتی و کلیسایی خودمختار است. بسیاری از پیوریتن‌ها این شکل از سیاست را دارند؛ مانند بپتیست‌ها، آنا‌بپتیست‌ها و به‌تازگی نیز بسیاری از کلیساهای غیر فرقه‌ای به همین روال عمل می‌کنند.

دیگر پیوریتن‌ها می‌خواستند یک دولت پرسبیتریسم یا کنگره‌گرایی را ایجاد کنند که به ترتیب آنها پیوریتن‌های پرسبیتریسم یا پیوریتن‌های مستقل یا کنگره‌گرایان نامیده شدند. افراد دیگری نیز از کلیسای انگلستان جدا شدند و اصلاحات داخلی را فراتر از انتظار می‌دیدند؛ این جدایی‌طلبان به فرقه‌های مختلف در درجه اول بپتیست‌ها و کوئیکرها تقسیم شدند.

۳-۱. باپتیست‌ها

گروهی از جدایی طلبان به شدت با تعمید نوزادان مخالف بودند، همانند آناباتیست‌ها در سوئیس. این گروه از «باپتیست‌ها» با اینکه به نام بازتعمید خوانده می‌شدند، تعمید مؤمنان را تأیید کردند؛ همچنین به آزادی و مدارای مذهبی اعتقاد داشتند.

در سال ۱۶۰۹ کشیش انگلیکان جان اسمیت (حدود ۱۵۷۰ - ۱۶۱۲ که اغلب بنیان‌گذار باپتیست شناخته شده است) و دوست او توماس هلیویس گروهی از پیروان خود را به هلند برد و جنبش عمومی باپتیست را آغاز کرد. آنها به دلیل نگرشی که به «کفار نامحدود» داشتند، «باپتیست‌های نامحدود» خوانده شدند. بر اساس این دیدگاه، مرگ مسیح باعث رستگاری همه افرادی می‌شود که با ایمان به سوی خدا می‌آیند؛ همچنین معتقد بودند ممکن است فردی «از فیض الهی محروم شود»؛ از این رو آنها در برابر الهیات اصلاحاتی جان کالون بیشتر موافق الهیات آرمینین بودند.

فرقه دیگری از باپتیست‌ها در انگلستان ظهور کردند که بیشتر منطبق با تفکر کالونیستی بودند. این فرقه که به «باپتیست‌های محدود» معروف شدند، به دیدگاه «کفار محدود» پایبند بودند و باور داشتند مسیح فقط برای برگزیدگان مرده است. مؤسس خاصی برای این شاخه از باپتیست‌ها مشخص نیست و اولین بار که این حرکت آغاز شد، فرقه باپتسیت در انگلستان غیرقانونی بود. با پایان قرن هفدهم، باپتیست‌ها در انگلستان در حوزه مسائل آزادی دینی به صورت چشمگیری درخشیدند. باپتیست‌های نامحدود و محدود طرفدارانی داشتند و در قرن هفدهم به آمریکا مهاجرت کردند و کلیساهای را در گروه‌های جدید تأسیس کردند. در آنجا به سرعت گسترش یافتند که این سیطره بیش از دو قرن ادامه داشت.

درحالی‌که باپتیست‌ها از هیئت حاکمه مرکزی برخوردار نیستند، طیف وسیعی از دیدگاه‌های الهیاتی را دارند و چند عقیده متفاوتی دارند که معمولاً توسط بیشتر کلیساهای

بپتیست‌ها تأیید می‌شوند. مشهور است که کلمه بپتیست مخفف این هشت باور اصلی است که بین بپتیست‌ها مشترک است:

• **اقتدار کتاب مقدس:** گویای این است که کتاب مقدس به تنهایی مرجع نهایی در همه امور ایمانی و عملی است.

• **استقلال کلیسای محلی:** هر کلیسای محلی نهادی مستقل و خودمختار است؛ رهبری کلیسا و آموزه با رأی دموکراتیک جماعت داخلی تصمیم‌گیری می‌شود.

• **کشیش مؤمن:** هر مسیحی «کشیش» خداست - هر کسی که مجاز به انجام مناسک مقدس است، مجاز به انجام آیین مقدس نیز است و حق دسترسی فوری به خدا و حقیقت الهی را از طریق مکاشفه دارد؛ بنابراین نیازی به واسطه دیگر بین خدا و انسان‌ها نیست.

• **دو فرمان:** دو فرمان رسمی (آیین) که توسط کلیساهای بپتیست محلی به رسمیت شناخته می‌شوند: ۱. مؤمن و غسل تعمید برای مؤمنان مدعی با غسل در آب؛ ۲. آیین عشاء ربانی که با انجام این آیین خاطره مرگ عیسی مسیح زنده می‌شود.

• **آزادی فردی:** هر شخصی - مؤمن یا غیر مؤمن - باید آزادی وجدان داشته باشد تا آنچه باور دارد در حوزه دین درست و حق است، انتخاب کند.

• **جدایی کلیسا و دولت:** دولت‌های کلیسا و مدنی باید متمایز و عاری از کنترل دیگری باشند.

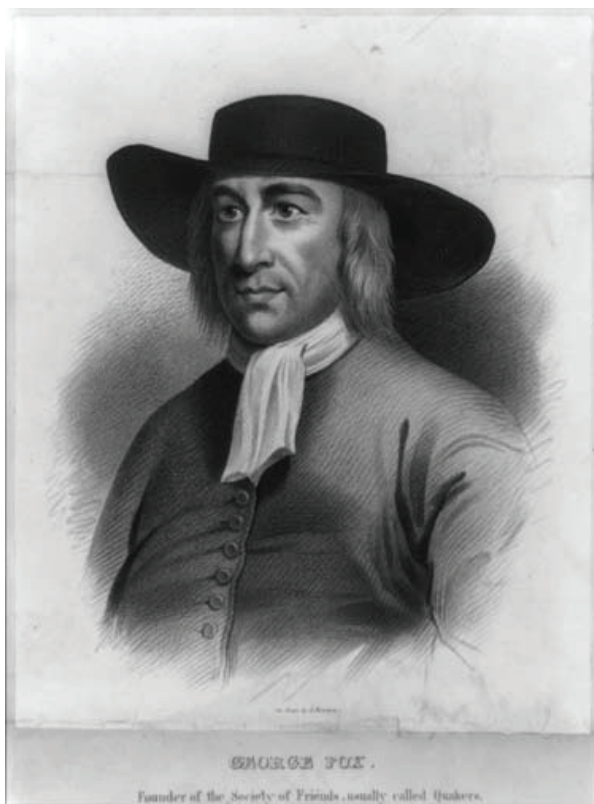
• **دو منصب کلیسا:** فقط دو منصب رسمی وجود دارد که در کتاب مقدس تثبیت شده است: کشیش (که مترادف با ناظر است، پیر و اسقف) و شماس.

امروزه بپتیست‌ها یکی از بزرگ‌ترین فرقه‌های پروتستان هستند که بیش از صد میلیون عضویت و بیش از دویست میلیون جمعیت دارند و کلیساهایی را در سراسر کره زمین تأسیس کرده‌اند.

۳-۲. کوئیکرها

در اواسط قرن هفدهم فرقه دیگری از جدایی طلب‌ها یا غیرسنت‌گراها از بین پیوریتن‌های انگلستان پدید آمد که به فرقه انجمن مذهبی دوستان معروف شدند (حکایت این نام‌گذاری ظاهراً به دلیل تأثیرهای معنوی بود که اغلب هنگام جلسات دعا و نیایش رخ می‌داد). این انجمن توسط جورج فاکس (۱۶۹۱ - ۱۶۲۴) تأسیس شد که در سال ۱۶۴۷ یک تجربه دینی داشت و همین موضوع زندگی او را تغییر داد. او به این باور رسید که خداوند می‌تواند مستقیم از طریق آنچه «نور معنوی» نامیده می‌شود با هر شخصی سخن بگوید. باور آنها بر خلاف آموزه کالونیستی است که معتقدند کسی که دچار فساد کامل شد، باید دوباره متولد شود تا به کمک خدا و روح هدایتی خدا شکوفا شود. فاکس و دوستانش باور داشتند هر انسانی ندای الهی را درون خود دارد و این ندا می‌تواند شنیده شود؛ تنها در صورتی این امر روی می‌دهد که فرد سکوت کند و به حضور هدایتگر گوش فرادهد.

این نور معنوی در عقاید کوئیکرها نقش اساسی داشت و بسیار مهم بود؛ آنها معتقد بودند همه نشانه‌های ظاهری دینی از جمله هفت آیین و مراسم‌های دینی از بین رفته است. کوئیکرها به دنبال زندگی ساده و گم‌کردن زنان واجد شرایط برای تمامی نقش‌های اجرایی بودند و بر صلح و وحدت فارغ از در نظر گرفتن نژاد، طبقه یا جنسیت تأکید داشتند. کوئیکرها به شدت خواهان آزادی مذهبی بودند و رهبران جنبش ضد برده‌داری در انگلستان شدند. آنها حاضر نشدند در جنگ‌ها شرکت کنند یا سوگند یاد کنند و مانند آنا بپتیست‌هایی بودند که به شدت آزار و اذیت شدند. انجمن دوستان به سرعت در اسکاتلند، ایرلند و ولز گسترش یافت.



22.1. George Fox. Courtesy of the Library of Congress Figure

مشهورترین کوئیکر، ویلیام پن (۱۶۴۴-۱۷۱۸) دوست صمیمی فاکس بود. پن در بیست و دو سالگی به کوئیکرها پیوست و به دلیل دیدگاه‌های مذهبی‌اش از کلیسای مسیحی آکسفورد اخراج شد. همچنین او چند بار دستگیر شد؛ زیرا در آن زمان آزار و شکنجه علیه انجمن دوستان افزایش یافت. درحقیقت به اندازه‌ای آزار و شکنجه شدید شد که پن تصمیم گرفت کوچ‌گاه جدیدی برای کوئیکرها در آمریکای شمالی پیدا کند.

در ابتدا پیوریتن‌ها در نیوانگلند مخالف بودند که کوئیکرها به عنوان پیوریتن‌ها به انگلستان برگردند؛ بنابراین گرفتن زمین برای ایجاد چنین کوچ‌گاهی دشوار بود. اما بخت یاری کرد؛ زیرا شاه چارلز دوم که به پدر مرحوم ویلیام بدهکار بود، در قبال بدهی خود، زمین نزدیک به نیوجرسی را به او اعطا کرد. پن آن را سیلوانیا نامید و پادشاه چارلز نام آن را به «پنسیلوانیا» تغییر داد. افتخار پدر ویلیام به دلیل آزادی‌های مذهبی ارائه شده در مستعمره جدید، زائران مذهبی از سراسر انگلستان، آلمان و جاهای دیگر - کوئیکرها، منونیت‌ها، آمیش‌ها و دیگران - به آنجا آمدند و گرد هم جمع شدند.

ایده‌های مذهبی تثبیت شده در منشور پن برای کلونی وی در آینده آمریکا تأثیرگذار بود و تنوع مذهبی و آزادی مذهبی به دنیای جدید منتقل شده بود.

۴. مقابله کاتولیک - اصلاحات

در اواسط قرن شانزدهم به نظر می‌رسید پروتستان‌ها شمال رشته‌کوه‌های آلپ را تسخیر کرده‌اند؛ اما همان‌طور که پروتستان‌تیسیم در حال گسترش بود، در کلیسای کاتولیک رم نیز اصلاحاتی رخ داد. در واقع اصلاحات کاتولیکی تا پیش از نهضت پروتستان آغاز شده بود. این اصلاحات توسط رهبران کاتولیکی همچون اراسموس از روتردام آغاز شد. بسیاری از اسقف‌های کاتولیک و رهبران آن زمان معتقد بودند اصلاحات در کلیسا لازم است. نهضت اصلاح پروتستان نیز بسیاری از مسائل دینی و سیاسی را مطرح کرده بود؛ همچنین به این دلیل که تعدادی از مسائل و اصول کاتولیک که طرح‌بندی مشخص و رسمی بین اعتقادات پروتستان و کاتولیک نداشت، تشکیل شورای جدیدی لازم بود.

به طور کلی می‌توان سه کاتالیزور (کنش‌یار) اصلی اصلاحات کاتولیکی را این‌گونه معرفی کرد: شورای ترنت، تفتیش عقاید و انجمن عیسی (یسوعی‌ها).

۴-۱. شورای ترنت

اوایل دهه دوم قرن شانزدهم میلادی، اجماع رو به گسترشی بین رهبران کلیسای کاتولیک درباره اصلاحات از طریق شورای جدید مطرح شد، اما برای شورای عمومی مقاومت وجود داشت؛ در درجه اول به دلیل اختلاف نظر بین امپراطور رم و چارلز پنجم و پاپ‌های کاتولیک این مقاومت وجود داشت.

به اختصار می‌توان گفت چارلز و پاپ پاولوس سوم در نهایت با تشکیل شورای عمومی کلیسای کاتولیک موافقت کردند.

بعد از مشورت‌های بسیار بین پاپ پل و چارلز، آنها درباره مکان شورا یعنی شهری در شمال ایتالیا به نام ترنت توافق کردند. شورای ترنت از سال ۱۵۴۵ تا ۱۵۶۳ ادامه داشت که با آغاز جنگ، شیوع طاعون و دیگر مباحث و جنجال‌های داخلی متوقف شد. این شورا متشکل از صد هاتن از رهبران کلیسا از جمله اسقف اعظم، اسقفان، کاردینال‌های صومعه‌ها و نمایندگان دیگر بود که وظیفه اصلاح آداب و رسوم کلیسای کاتولیک را بر عهده داشتند و به مسائل الهیاتی بحث‌انگیزی پرداختند که پروتستان مطرح کرده بودند و فعالیت آنها به سمت وسوی اصلاحات کلی نهادی و اداری بود.

این شورا بسیاری از مباحث اساسی کاتولیک را اصولی در حیطه اعتقاد و عمل معین کرد و به طور کلی آموزه‌های پروتستان را در مورد فقط ایمان، فقط فیض و فقط کتاب مقدس رد کرد. درباره مسئله عادل‌شمردگی، برای مثال رئیس شورا نوشت: «اهمیت این شورا در حوزه الهیات بیشتر در مورد مسئله عادل‌شمردگی نهفته است؛ درواقع این مهم‌ترین موضوعی است که شورا باید به آن پردازد». برخلاف شعار پروتستان در مورد فقط ایمان، فقط فیض (تنها ایمان و تنها فیض) این شورا تصویب کرد که اگرچه مبنای لطف خداست، تلاش انسان نیز بسیار مهم است و نباید تلاش انسان را از فرایند

عادل شمردگی خارج کرد. درواقع برخلاف دیدگاه اصلاحاتی، عادل شمردگی رویدادی جدلی و نوعی تبادل شرعی از جانب خدا به فردی است که به دلیل بخشوده شدن گناهان یا نسبت دادن به نیکوکاربودن در نظر گرفته می شود و این شورا عادل شمردگی را فرایندی مرتبط با تقدیس می دانست.

این حالت یا تمهید با عادل شمردگی همراه است که نه تنها بخشوده شدن گناهان است، بلکه از طریق تقدیس و تجدید و پذیرش داوطلبانه موهبت و عطایای الهی است که به موجب آن مردی ظالم به یک دوست تبدیل می شود تا بتواند وارثی برای امید به زندگی جاودانه باشد.

شورا تا آن حد که عقاید مخالف درباره این موضوع را اعلام کند ادامه داد؛ از جمله ادعای پروتستان را بیان کرد که شخص گناهکار فقط با ایمان عادل دانسته می شود. پروتستان ها این دیدگاه کاتولیک را که عادل شمردگی مبتنی بر اعمال انسان برای رستگاری است - نیکوکرداری - را مخالف کتاب مقدس می دانستند. پروتستان ها با استناد به کتاب مقدس نظر کاتولیک ها را نقض کردند؛ آنجا که می گوید: «به سبب فیض خداست که شما از راه ایمان نجات یافته اید و این عمل شما نیست، بلکه بخشش خداست. این رستگاری، نتیجه اعمال شما نیست؛ پس هیچ دلیلی وجود ندارد که کسی به خود ببالد» (افسیان ۲: ۸ - ۹).

درباره دیدگاه پروتستان ها درباره فقط کتاب مقدس، شورا این گونه نتیجه گیری کرد که سنت کلیسا باید اقتداری مستقل از کتاب مقدس داشته باشد؛ زیرا مسیحیان اولیه هیچ عهد جدیدی نداشتند. با این وجود آنها قادر بودند راست کیشی را از طریق اقتدار سنت (شفاهی یا طریق دیگری) حفظ کنند. افزون بر این، بسیاری از آداب و رسوم عبادی در کلیسا نشان دهنده آن است که کلیسا به خود رسولان برمی گردد؛ پس چرا نباید چنین آداب و رسومی را ادامه داد، حتی اگر در کتاب مقدس ذکر نشده باشد؟

«کتاب مقدس و سنت» در مقابل عبارت «فقط کتاب مقدس»، خواسته علنی شورای ترنت بود؛ همچنین شورای ترنت مشخص کرد نسخه لاتین وولگات کتاب مقدس، نسخه معتبری است و به طور رسمی کتاب‌های قانون ثانی را در کنار سی‌ونه کتاب دیگر عهد عتیق تأیید و تصویب کرد (ر.ک: فصل دهم کتاب قانون)؛ در مقابل پروتستان‌ها این کتاب‌ها را در جایگاه بخشی از کتاب مقدس نپذیرفتند و آنها را «اپوکریفا» (اسفار مشکوک) نامیدند.

این شورا همچنین اصول اساسی الهیاتی و سازمانی مواضع کلیسای کاتولیک را تأیید کرد؛ از جمله دستورهای مذهبی آن و هفت آیین غسل تعمید، تأیید، توبه، تدهین بیمار، دستورهای مقدس و ازدواج. همچنین دیگر موارد رایج آداب و رسوم کاتولیک‌ها که پروتستان‌ها با آن مخالفت می‌کردند، توسط شورا تأیید شد؛ از جمله این اعمال آمرزش‌نامه‌ها و تکریم قدیسین، یادگارهای مقدس و مریم باکره. با این وجود شورا نیز اعتراف کرد برخی تغییرات لازم است و باید به فراخور تعدادی از شکایات و انتقادهایی که علیه کلیسا اعلام می‌شوند، اصلاح شوند و از کلیسا کنار گذاشته شود، از جمله فروش آمرزش‌نامه‌ها در قبال مبلغی.

در تاریخ اندیشه مسیحی تصمیم‌های شورای ترنت بسیار اهمیت دارد؛ به طوری که برای همه کاتولیک‌ها لازم‌الاجرا شد و تا امروز هم ادامه دارد. ترنت تبیین کرد کاتولیک‌های رومی چه اعتقاداتی داشتند و چگونه باید باشند تا هر کدام از تصمیم‌ها شورای مذکور به بدعت‌گذاری متهم نشوند.

۴-۲. تفتیش عقاید

اصلاحات کاتولیکی که پایه‌گذار آن پاپ پاولو سوم بود، نه تنها شورای ترانت بلکه تفتیش عقاید رومی را نیز دربر می‌گرفت و به این منظور طراحی شده بود که ایده‌ها

و آموزه‌های نادرست را پاک‌سازی کند. تفتیش عقاید از فرانسه در قرن سیزدهم در تلاش برای مقابله با آلبیژن‌ها شکل گرفت. این شهر در اواخر دهه ۱۴۰۰ در اسپانیا برای مقابله با بدعت تأسیس شد و پس از آن عارف کاتولیک وفادار ترسا شهر آویلا را به خود اختصاص داد. سپس در سال ۱۵۴۲ پاپ پل تفتیش عقاید را در رم با عنوان «جماعت مقدس رمی تفتیش عقاید» تشکیل داد که از کاردینال‌ها و دیگر مقام‌های کلیسا شکل یافته بود؛ هدف‌شان این بود که از ایمان کاتولیک دفاع کنند و آموزه‌های نادرست را بررسی و ریشه‌کن کنند و همچنین از آن برای سرکوب جنبش رو به گسترش لوتری در ایتالیا استفاده شد.

لوتر و دیگر اصلاح‌طلبان در شورای ترنت به مثابه بدعت‌گذار معرفی شدند و اعتقادات ایشان مردود شد و کلیسای کاتولیک به دنبال «معلمان دروغین» و کسانی رفت که گناهکار شناخته شدند؛ اگر از انکار عقاید خود امتناع می‌کردند، با روش‌های سخت از جمله زندان و حتی اعدام مجازات شدند؛ این تفتیش عقاید تا زمان لغو آن در سال ۱۸۵۴ ادامه یافت.

۳-۴. انجمن عیسی (یسوعیان)

یکی از کاتالیزورهای مقابله با اصلاحات کاتولیک، انجمن عیسی بود که به یسوعیان معروف بودند. بنیان‌گذار آن ایگناتیوس لویولایی (۱۴۹۱ - ۱۵۵۶)، در دهه ۱۵۲۰ در بارسلون اسپانیا تحصیل کرد و در آنجا مدت کوتاهی به اجبار در زندان تفتیش عقاید محکوم شد تا اینکه از اتهام‌ها تبرئه شد و پس از آن مطالعات خود را ادامه داد. وی سرانجام مقام «استاد ایگناتیوس» را به دست آورد و طرفدارانی را جذب کرد. او ایده‌های خود را برای دست‌یابی به کمال معنوی با پیروان خود به اشتراک گذاشت که در تألیف خود به نام «تمرین‌های معنوی» ثبت نمود. او در سال ۱۵۳۷ به مقام کشیشی رسید و در ۱۵۴۰ پاپ پل سوم انجمن نوپای «انجمن عیسی» را تأیید کرد که یک فرقه جدید مذهبی بود.



22.2â•† Ignatius of Loyola Figure

ایگناتیوس که بنیان‌گذار این فرقه محسوب می‌شد، سال‌های بسیاری در این سمت باقی ماند. اعضای انجمن که «یسوعیان» نام‌گذاری شده بودند، مبلغانی بودند که به خدمت پاپ در آمدند. آنها به عهدنامه سنتی خود که مشتمل بر سه اصل تقوا، فقر و اطاعت بود، اصل چهارمی مبنی بر وفاداری به پاپ را نیز افزودند. یسوعیان رسالت خود را در زمان ایگناتیوس شجاعانه و با دو هدف دنبال می‌کردند: غیرمسیحیان را به دین مسیحیت در سراسر جهان دعوت کنند؛ اروپای پروتستانی را به آیین کاتولیک برگردانند.

یسوعیان بسیار متعهد بودند. آنها از طریق تهذیب فردی و معنوی خود به سرعت مورد احترام و توجه مسیحیان و غیرمسیحیان قرار گرفتند. تأثیر آنها در جهان بسیار گسترده بود؛ به طوری که آوازه ایشان تا زمان مرگ ایگناتیوس به چهار قاره رسید و بسیاری از غیرمسیحیان را به دین مسیحیت دعوت کردند. همچنین ابزاری قدرتمند و مؤثر برای شورای ترانت و مقابل اصلاحات کاتولیکی بودند که گسترش آیین پروتستان در اروپای مرکزی و فرانسه را کاستند و حتی برخی مواضع کاتولیک‌ها را نیز گسترش دادند.

یسوعیان از طریق تبیین راست‌گویی کاتولیک و اصلاح سلسله‌مراتبی کلیسا و شورای ترنت در مقابله با اصلاح‌طلبان پروتستان در پیشبرد ایمان و عمل کاتولیک رم، موفقیت‌هایی را کسب کردند. این قضایا نیز باعث ظهور کلیسای مدرن کاتولیک رم شد.

نتیجه

با پایان قرن هفدهم، همبستگی مذهبی و سیاسی مسیحیت غربی برای همیشه نابود شد؛ به طوری که در آن زمان هزاران کلیسا و فرقه مسیحی در سراسر اروپا متفرق شدند؛ از جمله کاتولیک‌های رمی، انگلیکان، آناپتیست، پیوریتن‌ها، بپتیست‌ها و کوئیکرها. نمایندگان هر کدام از این گروه‌ها در نهایت به آمریکا سفر کردند و نقش مهمی در تاریخ مذهبی و سیاسی مذاهب خود داشتند.

پی‌نوشت‌ها

۱. Chad Meister and James Stump (۲۰۱۷) "Reformation continues: The English and the Catholics," in Christian Thought: A Historical Introduction, pp ۳۸۶-۳۷۰.

جمع‌بندی نکات اصلی

۱. کلیسای انگلستان در ابتدا از مذهب کاتولیک رم به دلیل انگیزه‌های سیاسی جدا شد؛ ولی همین موضوع اختلاف عقیده مذهبی، عامل اصلی حرکت نهایی آن به سمت راه میانی بین ایمان و عمل آیین پروتستان و کاتولیک شد: انگلیکانیسم.
۲. پیوریتن‌ها گروهی از کالونی‌های کلیسای انگلستان بودند که فعالیت آنها در قرن شانزدهم آغاز شد. پیوریتن‌ها معتقد بودند اصلاحات کلیسای انگلیکان به اندازه کافی برای اصلاح کلیسا در بحث ایمان و عمل کافی نیست.
۳. بپتیست‌ها و کوئیکرها دو شاخه از پیوریتن‌ها بودند که به سنت‌های خود پایدار ماندند.
۴. کاتولیک و ضد اصلاحات یک‌سری اصلاحات الهیاتی و عملی بود که در کلیسای کاتولیک رم در قرن شانزدهم رخ داد که برخی در پاسخ به چالش اصلاحات پروتستان و برخی دیگر نامرتبط با عقاید و نقد پروتستان بود.

برای مطالعه بیشتر

Book of Common Prayer (many editions).

A.G. Dickens, The English Reformation, 2nd edition (University Park, PA:

Pennsylvania State University Press, 1991). A helpful overview of the English Reformation.

John H. Leith, ed., *Creeeds of the Churches*, 3rd edition (Louisville, KY:

John Knox

Press, 1982). An excellent collection of important historical documents,

including the Thirty-Nine Articles and the Creed of the Council of Trent.

Michael Mullett, *The Catholic Reformation* (New York: Routledge, 1999).

A comprehensive history of the Counter-Reformation